

استعلاع تتبليخ

يقوا عرق د يادمون

مكلية ماز تسي تربع العرب https://sites.google.com/site/maoforara

س سنع ارتفروني



و ر جورا غن کیا





ا - لي كار ه - كار بي الاط in the way for the page 10" . It 19 - الناء يعش فل كونتي "عبد الند" (19 19 - خالة المصدل الذي والمعية ٨- ماذا المة

. .

دار الدوال رود لا دار الشرور النظر العاصم الاطار بالزير دريا المناسبة في الا شارال في الزير در والوجود الموران الاطارات المارات المار

که سه های بل شد کنیارس زیاد شاید با در د شد که سه از کاره پهر او این دارد درد در کاری او کارکرد که کا صرار درد کنید در کارد

به ۱۰ کا در دار دار واچ تخته اثر مثا نها چ داده. چه باده اگار می . ادا دیچ دا از دید باز النو در طراحات هیچه . داد الاداده داده در از داد برداد ها داده .

الخز شير تهاه شيا . ويها الدر لا ايا يسر بن THE SHALL SHALL SHALL SHALL SHALL



الية الخرافة ليراد الأود المياد ليقان يرة المناهدة فالراد الخراج الإ

ر فران میان در است از اداری از استان در استان از استان در استان در این استان در است

حال آران الدور فال آورد کرن کالی در معالد رو القرار المحال المعالد الدور الدو

20

یند کار کار تید کید امیا شها کیا کید و باده راحت و حدیده . رم دیر خشا دید د . با امار در دارای به کاردار دید.

ه جوا تو چر از مون اواج ۱۰۰ کا دخت تام ازه ایشتر از در اواج زره ۱۰ هن در فتر در ۱۰ هن در قدرت مو کل اعتباد راههای دهد کسر دانیدا صبح فد ایشتر بعد هند روه دارد داده ماد کان بای دانید تو ایند رستا

ان او حاد او منوا او منا بها در استانیا مو دب افر کار در در در استانیا دستاناتان در بنان در در

ام الرجوع و المراجع في الماسية و كل البياء ويوم الماسية ويوني مراجع والماسية و المراجع المياسية على ماسية والماسية والماسية

در در. خود درو به مرد درو

اسات این فرید از کلیت بنیا شد ترسان این ۱۰ می اتازی - ارتزی - بیشنی - بیشنی و در مهامود - ارزی اده اتازی رشهای زیست دا میشنی در اشد.

ان بدا دل آمادی ، بدر قد سیدها شان می دار چدر ایر آغیاد داند مانش در سرید. ب داشت اما میدا میداد شد در متایان ایند. دانامه در اصور امادی ایند شده ایند. ای تمانی در امادی ایس شم در ادار این

مثلاثمة في المهام المحافظ الم

افها فعره از و بيده مرازة م زارع دود العرج طدة د وم

يو. رومه يو نير کار تيدي ود ر اول انه

ای وزار دری باد مرا جاد مرا به استان در را مراجع می این در مرا در اور در از در در در باد را در در این

اد دو وزینه فراه است این به و این این این در من این و ده می بر شار در دوسه این داد در در این و در در شد استرد باید دور . اند بر شد باید در در در شد استرد باید دور . اند بر شد باید در در در در این باید باید و باید بر سکر بر این دو این در این در این باید در شاید از شد این در در این داد بر داد بر

ريد. و براو ترو واوران وي بين قول جار استد ويرود . هيان المشاها جوان استو الناج وارج از قول او براسطة ، ويستان أند استد والمرا الراج الراج الناد الما



ات الله الرافز المرازي الا اللها المحارزاتر الها لليج راة الراق المراز المراز الما الراز الا الالال را المراز المراز الما الط

یه قرار آن آن آن ایم درات ، جدت به به ده هد ر قرار آن هم هم افراز به اینش را نفر (ربیه ، بدد هم از این امم هار افقا کیا در اس امم ر زیم امر ر درا فقر یافته صوت . و حا این از آن آن از دران فقر ایافته

ل مي هو ويون مصورت هو اور اوران الدور الدور الدوران بله المر إنجاز الدوران ال







to delicing the first

at Tarigada

يع بيد ، "و بد حاه دد اود اد اي و لاين شراي بر الووا

ر واعدم مون پرواها الرعاب الواد به البد خداری سهر ادبی که اموام از که آموز ای در مؤاه باشده در اداری در کار نیز خدا بدی پس در روازی در اداره بر

personal and property of the second

وند

ر ما و در میاده داده افزود در نوید بار است و خ مد دادم ، قدر زدان سال در شمار ، ر ز افد در درجه و مدارت از در در در

ص ۱۹۰۰ و م ۱۹۹۹ و من درد و رود در در افتل د رفظه من در تعیب ۱۹۰۰ داد واد دو انتها در انتها میتیم ادر دادم در خاه سایمه افتها و ادر ا

اللم يشغل بينان الرؤط دد به دند دند ترد در اي دي. هامي واسالهام فار دارد بينم ار داب د ناما در در داد داد الدارات

اویار شایس و احداثالیتان قرار از اواجاتشده . بختی در اداب ، شامه در نش زناد اشتر بادی انتیا . در ادام می درد درد از ایاد که در ادار ادار از بدر شدن در ادار در اشتر رکار شور درد شد از

د المواد الفواجي القواجية المواد والمرافقية و الموادقية الموادة الموادد والموادد الموادد و الموادد و الفواد والموادد والموادد الموادد ولم الموادد الموادد والموادد والموادد والموادي الموادية

يسها ارتباط مار از او اميان داد چار ايام داد : دام از اميان بيسد مار شهاد اندود . ددود

Table Land Company of the Company of

e strategy

1309 141

يود دين چو خا دي پکر از پيد خاد م افراد رود مي خواد راهاد دو ادامه در در دود مي خواد راهاد دو ادامه

acce,

سند کی بن کو شیخ باوی می یکن کند طر . دا فور فد دارد اساط دره از ایج ۱۶ فراد در دری و روی برو از شر اسال که بعد کینا و پد درد در اسال باسم که شیاد افغار در باق درد در درد او در ازد.

راند الدولين في براه هم بره او اي وي بدائم المرافق ال

د ادری ادیم دن در ادان د اندائی روز ۱ دری از در ازاد د ۱ اداد ادار ادار ۱ داد از اداد از ۱ در ازاد اداد بها از بدر راد این یکن د اداد از اداد اداد بها از دادار از بها راد اداد اداد دری

. معدد معرار بریز تمید فره بروا قرمانج:

of a grid to decide year. Top a dir

ق ارض اسی بعد ، واید در شوده نم به . طب قاب در افوادی قدر کسی کمی در در ا شده درده ، دادی تاریخ برای درده دکته به . زادی چی در بعد کشیه امود ینه امراد کا اداره قابی ، در بعد کشیه امراد ینه امراد در استان کا در اداره قابی ، در بعد دادی اداره استان استان در اشد

این رئید این این امیراد از استر کاف ما بدایا دار در به سعا حال ۱۰۰۰ نمیان در اراد د و دیا هم چر در ۱۸۱۰ در کاد در اکار این در باد اداد : بادایت اداد افغ امع ۱۰۰ کرد در اگر

بو در درس و

٠٠٠ ميل تر الله ١٠٠ اله ١٠٠ الله ١٠٠ اله ١٠٠ الله ١٠٠ اله ١٠٠ اله ١٠٠ اله ١٠٠ اله ١٠٠ اله ١٠٠ اله ١٠٠ الله ١٠٠ اله ١٠ اله ١٠٠ اله ١٠ اله

يو كلا . ويو يكل لولو يها الذي يحدد لا يعي القر ير . كا مها كر يكل الولو إلى الا تركز ير . كا مها كر يكل الولو الراب ، ولا الله حل ولا يمثل المعلم العداد الله حدث والا الحال ال يق قبل المهان العالمية الإياز المساحة الأقرار

قرن ال حدد النص . قر عدد 20 ام برت الوجن النوات (الماد بالماد . وقد النواق الماد النواج النص حدد النص النواق . وقد النواق النواق النواق النواق النواق النواق . وقد النواق . وقد النواق . وقد النواق . وقد النواق .

اما " ، ور وقد اسم المح یا بطر اقل .

ق است ویال و روز ۱۸۰ ایند اس کا افزاد .

ح افزا ۱۸ اوزاد " داول اکتاری ، فی احد است ایند است این است اما است این است این این است این است این است این این است این این این است این است این این است این این است این این است این این است ای

ية أنها 1 الان و الزياد يتزل فيها للد أ الأميا ، وأن ا التركيا و طرز ما النب المشارد كما ، وفر ماها يتد كيا و اليون الما الميانات الميا ، منها لاكر يتها الق الما ، الميانات الميانات والميانات و الميانات ال



من فرو شده الله بر الدخر بر طام آنية ما والا الدن الكور الرحة . " مكة بعد و كان فرو الدمر لقم سنة إلى او الدرسة . دا الله فا الله على مراكز الإلا الإلا الداء .

بر پیدو دیگر کیا مین کیا ۔ 1 بکتر د بردی در ارت ادار واد کی داخر کیا در جدرید دورید و داخر دایا باست دی بر خدرید دورید و داخر دیا باست دی

ر فار . زیا چیچ - اما اول فضا آن فاروا - یم داری کیلی کیچ - رمایا 100 داد دید با . وک اور کیچ ایراد ۱۵۰ اما قود کا داری رفزی در حاصل کی حال محلف فی ، یکیپ

اد خواص از خیا شخه از غیر این و رد مداد داده از ماه داد داد داد

....

الحوار الرجا في:" ... اهم في وال ل رف في عا شور بند ينها لم حاد ذكار ، ق الحج فيها كان المراز في ، ويد حاد الرائد المراز الما المراز الموار في ، ويد كيان والا في المراز المراز الموار في ، ويد عد ومن الحيار الوار الى المراز كان يكو الإس

10, 2 to 20 pe

مي . . هر يحل از دن اردن به الديخة بدأ ، سرا يم با در سده بن را من الارخ ، دو سر مي از دمر بن يو از ردن از ردا اردا سر مي از دمر رسمة در امران الاردا الدين بيد سنة بار در سمة بالدا الدين الديا وي را يو سائل در بيشا بالدا الدين الديا الدين الراج از الا ، فر بدار الديا

LC 3h

هم خد تطو و هم تص استر بر القار بر الدار الدار

برده او ... برد منطقه می کرد: برداده شده بیان کرد. می در منطقه می کرد: برداده شده بیان کرد. میرکان بردود برد او این این می اداره برداد کرد. رود کرد: نیز در می این می حال این در است. رود کرد: نیز در می در است. میک در در می خود در می در است. میک در در می در است. در است داد برداد می در است کرد. را نام می کرد: در است در است این در است کرد. در این کات ایشاند رنگاه شد کی در این در این

اخر در ادمان وایل آن هدیده تجایز از ایش واهای ارایه در این از داشت از داشت اطلا اظها اگر به دار درخته اردهای از را مداند رد بدار امایه هدیده در دن داد تا تخصیه ترد درمان هم از در هرد

ا این که برات شد ، رسل زانون اربان ، را ۲۰ ما از اینات ، رسا ایران آزای این آم ، دیاه از آزاد اسما امیر استان این آم ، دیاه استان ایران میک امیران ایران ایران بات از آزاد بستان الایران امیران ایران ایران

.02213100

200 ha 24

المشارع المحافظ في القرائص و الميل المجار ا

يدي يه حين المحر الرابط" ، الانتفاقات بعد مد المهاد الأجد في الدوارة الراحة والمح و الرابع إليان في الدوارة حراء من الحراطة الرابع المحروطة ، الانتفاد المحرد الرابع المحرد عدد في الرابع المحافظة الدوارة المحافظة الدوارة المحافظة الدوارة المحافظة المحافظة

الارتفاع في المحافظ بالمحافظ المحافظ المحافظ

was.

وسمها زوري وجرز بدكيه

د مخترف طیط در انفریدوی و ۵ پدنیا باکتها در انتخار انتخاب و ۵

ن التي يشك. يُد حيّه الراجة يتميّز منا الدائد مع التياء " الر ج ، بديس مو التيام ، يعر فرقه الدائد الله ماعش

ح لجيدًا كاهله اللهيا

ر مد هی ان پنال ما . ها بید ما دید مع اشاه هم آثاد اش میا درود بر دن



د البدوارد يمام عارض الرارد السلبة البار والبلو ما مع الأساران با أنام معارد كالمعاد العارب الاسارا



و الله في الراقية المار المين المين الهذا المين و المين عن أراما المار والله و الميام المين المين في المين المين ميا الله الاال المال المين المنذ الرائم المين المين المين ميا المين المي



the course principle (not a 1 globs) per have too too' for a great some

اللاق فربة لوفواج بعد الالهار المواد أم يط إذا الراحة باللاف المهام بعد المهاب ، إذ يم يعنى فلح الالمال وبها اللها ولمان الإنا المان ، إذا المزار المها ، وقالها ومانا مربة جاء عن وكر

بدندا تصدفین رفاد بازد (با میز کرد) در آن المیز آزاره بازد در بیش بدن به رساسه و آن به در آن المیز در الیک بازد به بدن به رساسه و آن الماد (المدن مالا المیزه شاچ الرو الراحات و المیزار (آن المیزار) مثل المیزار الم

سال الباد كل دارمان من الدوات الدوات

پر از از ارسید که ایرانید که کب امر پر استر می ایداده ایرانید خاوجرد به در و دارست ایران کا جراحت خوانید شد در ایرانید ایران کا جراحت خوانید در ایران میدادید کاران کارست خوانید

یدند شد. شد. شد فلها فله دورت فاطعات فلیز آراین در دوره فله دورت شد دو اند قاد فل در در در دارد داشد فد فد و اندر آراین در در در در در دارد اندام فاق فدیاد در در در دردن میکار در در داده در انجاد

مر بورود وزار مدر با در پرد بید . ور و از مها اومیه در اثب کی از رما بید . ور بعد از اگل بیدا از اشار در اشار از در در اد

يت تو انتها پيدو از انتم . 1 کا کا صنا تو شد بدو لنيڌ "شم" تر پد دار دو انه چنه .

در الاردالات الدواسية فقد فق حن الاردالية بدور الدواسية فقل با الادالات الدواسية بدور الدواسية بالادالات الدواسية على حال الدواسية الدواسية في الدواسية في الدواسية الدواسية الدواسية الدواسية الدواسية الدواسية الدواسية الدواسية الدواسية الدواسية

ر المنظمة الم

14.14.14F

شي لاي خه ... كادر من القاطبة

البره ويتمسم واسل بالشاراء ويرام

ی میشون در در در در در است. پخید در ۱۳۰۰ تر اور دان به در دار ۱۳۰۰ از مرده بر این فروشی در داد از روزم چرد چه داش بدر به است.

ی این اور بیا زیا هب است از افزه او به این هم این است از مهادی این است از افزه این وارد و این از است از مهادی این است از است در این وارد و این اورد افزه این است از است

ن به تونی ویمی دارد بیاب اشد بر اماد را ای به واز بهای : " داخیم از باشد اند ا رای به بای بسیان بید طویانه اماد با امریا : " از این این بسیان بید طویانه اماد با امریا : این شاک ، وقد : "براد ای این اماد امادی دادی

والكرا والمراويات

ر مثار ۱۷ سرم رد - د شر بعدر به اسم. ۱۳۰۵ - ۲۰ م د آزادین ۱۲ م د افران بهای بد آثار مد مد ادار که میزاید ایس

 $\begin{array}{lll} C \cdot I_{k} \cdot Z_{k} & = p \cdot P \cdot V_{k} \cdot Q_{k} \cdot P_{k} \cdot Z_{k} \cdot$

الانتقال م ۱۹۰۰ في الكافي الان سال الم بداد من جوال من المحال الرائح الداكم . بيما الانبيالي فيف الرائم وقع الي الرائ

آن برخ جوار بیش از پیشید سا تراف اسید . ق راتود امر پیشا در بید ، پیمید میا نشاند پیر مید روید در افزار کار در در دست در شده را . پیگا دخت کاهی : " داشترین آدار در راد شد !"

به ملی کاهوی : " دافلہ این ادام و داداد! ان او میں جون وہانا عمر ال افواد : " الا : در ۲ عمل بعن الع راضل بعن راہا وفادا ." در ۲ عمل بعن الع راضل بعن راہا وفادا ."

د که خانوان در ادار در داخر . در خور می در در این ایر واد ایر مع مرد . مع ادار . می بداشت . باد در ری شی : اندر در در وسی

ق بردن اقام ۱ " " واکرد داون ۱ ها او این سال شد د ۱ ۱ مران بخشه در به دور به طور پاریز ۱۰ واقعه شمل بردا داد فهر استان او ارده شم ای

> به ایران از دلا سفایا به ایاد اندر . به ایران به واز افزر دل اگر به جایا شد دیارد رید انسی افزر نفرز دیا امواردد . ریداد دارا در دارد در دید از داداندر . فارواد از دخ

يند بك . عدد قرة سع ابدياد

a no intermediation

د او ها ینه در ری اسم ، هر دن . د هند که در دنه !

د هید که از هیو ۱ د کافر با ۱ اسها در ۱ قد کر کدم براه دور ایا تا براه در د

و ما دور با المام وقد كر المام المام المام دور و الرق ، وراهم وهاد كب طر كر الم المادة كار 10 مامر در داري المام المام المام المام المام

ان دوار به این فرور در بهاد. معادد کرده بر اسانها و امریکی درد. امریکا در دو ترد.

یاهم برای ایر مو شد. فریش و خاود دور مو جار از در احاد مد امه رسل ما رسال ادامه : به اس اد رای ده اروز روا ادیم ، باهد باهد از اما را اطلا ، دید ایران امام از ایر اس ، برای سران الاست ایران امام از ایران ، برای سران الاست

موافق الكر الله الما الألا الكراء الله الله

AND A PLANT FROM THE CALLED AS A

بعد هد امريا تي راي سريم و دور ايي ر ري. رود امر الاياد رايان والد مر امدة ، دري م امر أم الله . درد مران هما ان الدارد مر هذا النفيد إر غرافتو و اين .

روامع از خوامل .

مر زید سے رہے ہیں۔ کے فرور ز طاعر اطرافوری بڑیا۔ از بر یا کا بردائے ماہریہ دارل خ ارکز سام ماہ کے بیدائے کارائید

ر مر طب می پیدار از دوراند. افتار فتر فتر ۱۰ دامیدا فتر محیدا ، قد بحم قافع وار مرد فافر ، د خافر و میدا ۱۰

یکن (۱۹ مصد ۱۹۵۰) از ۱۹۵۶ در از ایند که آن افزید کاری، در افزی پت امر افغی درد دادرت میان کرد آن او امر پارتین (از این ۱۹۵۵ امیده درد او او دا دا افزاد پدیر داد افزاد امید باشتر رافع ۱۳ در در افزاد

اه ده یا عقدشته بر افزان فلیه. این مناسخا داده در این او این سیان مناش رید به طر نکرانت:

هيده احده و ليقا ، تو يو لا تو جاد هن هر: و ليش . د في خو دي . وتر يتر الانت فيمه يت فقر الماد رفارع الراق حيم . ود الأر 3 في

بر تور پیشو: "جمد باید در در جس زمید فردی در ادر!" دروز و تاره و تایی ده در زارات در

به غمر ، بعب 8 بعي قدراهية . ويزير 12 مشر اعلد الراز فم ليم محديا مل الناء

اللاد ، في الاد : - خارات من بدائية كه مدر يد ها الرفي

ورس ورود وارو کرد نیز استخداد به قط . به ارج جدا و به آن استا علی قدا هر وید و نامج و ده که نوراه مید نمو بر ایخ فق نمد و نامد ، وا مرده مید وی . وار دانشد در مید خداد و رود مرد می وی . وار دانشده ا

آثر البحث في المح حرف الخار المرافق المح المرفق المحرف ال

في رفاع التي فيها الله سمواء فيماء

ي ، ولا يعل في الله المعاولة الإم الطاء

منافات الكبية

مده این در روده در تین از دیده معل مین درماکرد احداد اداده در قالد درد در داده واز ریدامی در عالد درد در داده داده است.

نوه براز براژب بگار ادیشی دیشانان ام آ رو بور بکار نام کش ۱۹ براز براژاند و بر و بور براتار اش ا

يون بن نتم شر د في شيئة غيرة و الداد الو الام يمرا في الد و تربه والي : "الجدار المشاب بالحداد ويها بال والي لد من الراح و يشد عب الخدار وط الإدار المدار اليال والحداد في الراضات الدار المان . لا يربين مكان أرفاح إلى الجدار في الراضات . لا من المنا

10. 97

> ب عدد دین پیر شد . ا اگرخ افقا در ماد انهاد . به ما برد بها شعر این افاره ، فها هم از اگریا (مدنها برز به افغار فی عال اگیته به است داور

وه والله المحاودة إلى المتاودة التحاودة إلى المتاودة التحاودة الت

ال ، بين أثر بر + إذا بر إلى أثبيا بين . بينا لا العرب على بعد أثار بر + إذا بر ما ما أنا العرب على أثار مبيل تبد إلى أثار بر المبياء إلى المبيل تبد إلى أثبار إلى المبياء إلى المبياء الأماد إلى المبياء المبراء إلى المبياء الكامل الإلا إلى المبياء المبراء إلى المبياء الكامل الإلا إلى المبياء

من الدخائران الدين الدخارات حال الدين المن الدين الوق ما الدائر الدين الدين الدين الدين الدين الدين الوق ما الدائر الدين الدين الدين

رد بها حدود به بالقرار آن من جماه مود من الراحة والحداث في الا كان حر قال الأساء الحياد أن الواقع أن كان أنها قوال من حر الأساء الواقع أن إلا أنها أن كان أنها قوال براسم المالت براسم ألا المناطق أن المراطق المناطق المناطق المناطق المناطق المناطقة المناطقة

پره افياد بري خرب اول ، په دار طيم بر ايو ر رفت کو اور خر خد داد به چه پهيو افياد څ سورم نمام مورد څر اور د داکر ، وال ۱۸ د شاملين اور چه ۱۹۰۰ .

وی پی و این در مین در است مسین در ا د ایا دما رو ده دید در در النام رابود ادراد مینان هیدانی اشد در از اداد در امیان ادراد این این رابط افرار د در ۱۳۵۰ د است ای

الله التوريخ المرابة ... والمرافض التوريخ المرافض التوريخ المرافض التوريخ المرافض التوريخ المرافض التوريخ المرافض التوريخ الت

م جها بمعاشر بطال کل فرخ الدیات الل الدهم ل کرد کاران پیشوا که درای خاص در پرداد کنان بردار بیش در الدیان الدیات کار اداد به اشراع بازی بیشت می نکل فرز الا دیگری الاز بازی در وزار الدیات می نکل فرز الا دیگری الدیات لم کار داد کار باده در بیشته میل کند و الدیات الدیات

هیده ده چوه موسودی چه جن خاید مراز که دانو در توان از چه دریا نظر اینان جند خها نخطه . جرام دین شب کیب ، نااز به من دهارد در خاله الله الله ، دریش چه دارترامج کادلهای .

principle on the party of the party.

بخيد لانوة و كماؤ الدة

م وه در التر تصافي م به ماه فا قد مع بطو الإن الذي حيات كا فا قر يم بالمع اليكي به . كا كانت "فيه" فيمنا ق منا و تصفح البيالا ، وا كانت قرم على قر في تجرب في المعاد بينا در البيان البياء على مواد والدينا بينا البيان بالمنافقة . إلى العام بعلى بالراسة موقع درانا بينا البيانات

مع براه هر - دري كه در الله 12 مدر مرة - دادي من امتر بر الأمين بعد إرضل - في خط عبده بر مد امتر - د كله بر بها التن از ايان از منع التي ا در - 20 . از اين الار الله ميكا از اسم التي م

ه ۱۵ کیبو در هلیم لیمور ۱۵۰۰. کات مشتیا ۱۵۰ او مثل الایمو در صدا ۱ با بات نها طبط لدونها ۱۵۰۸ الایمود ته افغاز ۱ کنا کا

را با مح در این امام طرف این . مدیر مناف فر آمر در میاند در این . مصد که امریخ در این در امدیا امیکان بری در که امریخ در این در امدیا امیکان بری در مدید در امام که در از امیکان امیکان بری در مدید در امیکان امیکان امیکان در امیکان امیکان

پیر تعنید صند میت بیده فرد واتون رکون در برگر مین کلیف از بینها آن این اطاقت رکان در وحاد در از فرد این از اسان وجاد اتحاد بر اس در از چار اسان اسان کار از شمید اسام اسان این مو مادار این و این این از آن برگر افزاد باشد ارض شاید بید چهم طارز ام وگان این شان ا

د چه خري در د فواه بدني از سنديم رياد از سنظ بيده. در سالا زنده کې پانها بدني دي د کلا دين کات

ود درس در واحد و شرحه منین است. به ای دربین باشد و شرحه، د فات باشد راهم ، ای منا باین زاری دستون بد فهامه امار خاند و درس ، این و آد در که نظر در این در این در این که داد داد در درستا الله به در درما در داد در درد در درد در درد آلاد

رابين ديور ، لا اي دي د مگر از ترية الله مه مين امير من اديند الاير در به ديم الاير ، بد منا دين هند الاياد از الايره ، چر ديان پرد ترييز واميد ارديدانيه الايه . هم مكن اكر در مين الاين هنج التر يستوان ارديا از ايما



رد روان فاه قلید و سد امی و دار ایجا در شد و سد در سال می دارد امی و افزاد به اما در شد در سال می دارد امی و افزاد به اما در در در سال و در ادارد اما اما اما در اما در در در امی و در اما اما در اما در اما در در اما در در اما در اما داد اما در اما د

dept	المناكبين لخام
	(4)
dier	Mag

tve	17,000	164
600	ton	11,63
45-	POTE TO	100



چاند در قاس البیة . غراف در فان هاو از روی افراد .

له عبد فيد في الاستانية و م الاستانية و الم الاستانية و الم المرافق مرد في الدائد في المائد ، و المرافق في الاستانية و المرافق المرافق المرافق المرافق المرافقة في المستانية المرافقة في المستانية المرافقة في المستانية المرافقة في المستانية المرافقة في المراف

. بدر غیر نمبر تیان از رهر اداره. ((۱۸)

رخو بير فل فلد فل الما فيا ر فل هار کال احتر المنافلات

The state of the s



و لان الرو در ال النبو المهام لماري

بردر منه بوسیدارد میرانس داشتاند رمام از استخباط شاوهای ا رمام از اشکا میان اید میان اید رادر از افزار استان دارد دارد دارد دارد در افزار استان دارد دارد دارد دارد دارد

140 0 15

ن قبل فلها الداخل الداخل الدر وادل بحد 199 ما الداخل الداخل و وان ميدان مداخل الداخل الداخل

ين من سرا سال بالبد بنه الله عال و ياده اكان الراب ين من الدين الامرو الروسة اللهاء . من الدين المنا الرياسة اللهاء . و يرم المنا الرياسة اللهاء اللهاء . الذين الدينية المان إلى الراب الراب المنا اللهاء . الذين الدينية المان إلى والمها الدين والمراز المها اللهاء .

و در در مراحل موه هم در احت به المراحل با المراحل و الم

الى يەر ئامىل ھىيا يېنىڭ ئىلىكىد . يېنىد يىد ئىيى ؟ خىر مىدان جەل ئىلىكا ھىل دەن ئىلىق يېزىلى ئىلىر ئىچ چەن ھەن ئامەد ئالىرە ئىلىك ئۇي ئالى يىلىر دەن ئىلى ئىلىلى ئىر دەن ئىدىن ئىلىد ئالىرى خىرى جىلى دەن ئىلىلى ئالىلى ئىر دەن ئىدىن ئىلىلى ئىلىلى جىلىلى جىلى دەن ئىلىرى دىن ئىلىلى ئىرىد دەن ئىلىدىن ئالىرى ئىلىلى جىلىلىدىن . يىلىدىن ئىلىلى ئىدىد دان ئىلىدىن دىن ئىلىلى دىندىن . دىن ئىلىدىن . ئىلىد

in a representation of the property of

ور در معرف در مرحو فتر بر مور پید ره اما باز این راه ما در در بر و در در فیز ، درما تباد در در و مدعو در مدد باد درم در باز جو بود برای

الرحد فد فرد و الرداع بها بيراد. ود الراحد الرداع الراحد الارد و الوزد الود و فرود و براد مارد بها براد عل قد الراحد براد المار الود بالراحد

د اداد این از افزان به از بایا سر مرزیا اسا افغاد چند این این از باید این از از افزان دا د دادی این ریا لایج بر با این کارای در دادی این ریا لایج بر با

فالود لحات اسال والتح

اکو اروپا داران درختانی استان بیشتا کردی ایسا کاج بخشر شاکه در بیشتر شاه الاستانی بیشتا شده از در درخان اطارات والسند الابتدار بازدران بیستاند دارمیخه در بنال الانام از این در شاهر ازاران کام اینان

وو ورون

	24		

Chickwists.			
1454	4.	n	*
milia	*	11	7
to the	70	17	70
mark to be		M	~

رفور ۾ جا جا جا شاهر بيا جا ف دان مرجو

۲ - خون در خود پیراد این در در خود در خود پیراد این

an an and

With a River and And And May and

مناها در الوط - طا این این این این بدود .

بهد دو او بدر الفر در اسن د در دو است. از سنا الزد راه اسار چه آخ بدید دائر اسا ریاز بین صدر فرکز ، بدا با عاقع آنوند فار

د چین کان اور میا یاب از انقی ایشم انقر می برای اینا نجه از ایج میت سام کاری پیچه ، این بندر سر کار برداسته کرا او سرای

نها قوار شها در بحد ده می ده: احد ای میزان فیز فیده میان اینه بیان بر انتها ، درا در اداماد راهنده خاص این در این در از این اداماد راهنده خاص این

ورد الاد خوادم به داران این مهامه د افزاد معم است اس رو اردا اس این ر به طویر اداره داران رو از شد این ا ردار الاده ، خانم ایند است رو الاد این

واله الدناة ، والأن من ما التركية . وم يم مي البندي تنظام الاطل لا جارم عل المناطق في المير ل طبقا القريضية ، بدأت بذكر عبد الله كان كان الدنان من الواقعة في ويدم الأراح ، ولقل عمر الحل القد الذات والانور ، وينامه أحق ولقل عمر الحل القد الذات والانور ، وينامه أحق

هن به زیاد یه . مده و دورتم بر الاستان به دم هنر کا فاته پردن لیاد سال الدول شدم هر را کا شیعال دیا وار سید در هن بد شدن . در بار ۱۲ سرسان

فاع فقب " مر شواد قرو" از از در

دان جالا در از خاتان استان استان به بدان دری استان در بر از استان استا

هزاد. در الناط العمر فو الدين يها ليؤوز ليلود الدياء ، والرحا ما ديم از كما الدينية في طور اداخ (W واحدر ادامة الراي للدين .

100 to 200 to 100 5

ر اگار امرس من چا تران . در برای شدارت این رسیا تعدی شری در در در ۱ داشت ایران مش شدات ، بر طری این مشر ادامی رازد در این جریاضی است در است در مرازد در این جریاضی است در است

سيد و مراوي ...

بيادار و الجهادي ده لديد " در عدي" .

البادار الجهادي التي يكون جه ده لم الماد دره الجهادي ويو بيارو رو لالها، الريكان الباداري عليه أو لم يحرف كان الباداري الريكان الماد ولا اللهادي المادي التي لم يا . به حمل جهادة الماد الريكان المادي التي يكون المادية الماد الريكان المادي التي يكون المادية الماد المادية ال

کا پھنڈ کے بر اپنے شید اریان ریلیہ وی افغ اریان کرنے اور طاہ کار ماند شید ہے اماریان

100,57940

بها الله حسال درد من محملها اوار من الطوال ۱ د درد معمداللمور الكرد العالمية

CARRY LAND

رو کر با در و حد شار بودند که در دنیا دار وار ده خد و گاره بولا حد در دنیا دار جدا - کا در ک - در در و او در در در در در در میشود دادارد در رسوسه ای در حد ادار داد و در در در در در در در

الزارل السياداتية ، ويان الرابطان إلى الدول ال التي الدول . حد مجال السفر الرافط الذي لدول التي الدول المنافذ المدافع المواد الم المؤدر الدول وي الدول الدول الدول الدول الدول الدول الدول الدول منافض ، وهم الرافض الدول الدول الدول الدول الدول من المال الدول الله ، في الدول الدول الدول

ر از در در کینا در ماهند این از در از رز در در کینا در ماهند این از اصد و کیا 2000 A D J A SALES

2.00 m

بر الدينة في الرواد لا ميذ الرواد الآن . - الرواد و الرواد الميذ الروادية و يح الرواد الميذ الروادية و الح الدين الروادية و الميذات الروادية و الميذات الميذ

الياب والمرافق والتراق والأراف السابر التي التراق والمرافق التي التي المرافق والرافق والرافق التناف والرافق (187 مرافق (187 الرافق))

أهر فتية بها يقتم القادار الدامة الذارة وبدار القرائد الدين البناء الرائز الاراث الرائز الذارة نها بنا بحال جزيا رائة بمنها الحاكم أصور . فاق الهم الدين في من أصرة لا يقر عصا مراكة أرد با بهم يها دائلة عرار الرائكة وعا حراد الدارة

......

- ...

نے خاتف ہوتان کے ویادہ کا کا اگر آثار لا بھا پیر کیا کا ویطرہ کارہ لیکن اور کاراکا بھا پیر کارر کر کا ایمیان کی داکا جانب محم بھر نز کا اور کا سینت کارہ داکا جانب محمد بھر نز کا ایک جانب کا داکا کا از میدم را اینده شیخ از بین در این اراق به ۱۹۱۳ است رسد می اشر به در این اراق در اینده است می در شد. په در می دارد در در اینده میده شده این این پر حص در اینده مین شده این این از داد این این میرندی در ایند است رسال در دادی در ۱۹

المربي حدده بعد اربعه فاقتر من القرارات و القر المربية بقرية في محمد شد القرارة القرار (المحافظ الله . المربة لمربية وقر الله مربة كالرجارة الدائمة . عند المربية مربة والمراسية المسافلة والمسافلة . وفي الأرسود إلمانان مسافلة المسافلة المراسة القرارات المراسة المسافلة .

payment in which have now

دو کی کاراو چه کارای ، سید رک امامی مگر دو از راسی ، کاروس

التي مع بقد في قد البند ۽ 1000 البياءَ البناءَ 100م لينزاز استداد الب

...

الدرب المركز فر والمن المساد البند الميان بين الماد الوريديية وقد المركز المرك

ع بها خالم بعد فراگیایی ۲۰ بازوی ۱۵ د درگزی و خاود: ویم رودای د خانه پایتین نیب در دی تیانه د در است کیا تیج ادر در دی تیانه د در است کیا تیج ادر در دی تیان د د در است کاراند در ای داداد

الرجاب ها هدينا الشيخ بعد أو الرئاس الديل ومن أي أكار المرأس أو الكار الديلة الديل المراكبة ومن المراكبة المراكبة في المراكبة المراكبة المراكبة المراكبة ومن المراكبة المراكب

ال جوال التي هم الا الشمر (رفع لم التي التي الم الله المستمر المناس المربوط ا



Facility of Sept Persons men and the first Persons fill the first first first rise for



سمون اد روح راج الله لد ۱۳۶۰ د شت ره اروزی برای الات استر محال می المرد اسی د الره (مان رامین امام در اساما شبیه را د گیا اور من اگر است الات از روستان از د راک درای و داری در استان را استان در استان در

ر ارد رای دو رود و دور دو دور و دور

ده خوا من المحافظ المح المحافظ المحاف

ا پيدازد شکرد ." - به کلد بک بکر داد : د باز پندامس لام د ۱۳۰۵ وکار ، کرد دامر ۱۰ کند دید فر خط



كار البياساب والبادار ليواناويا

Berry Santage Standard



خراسم فرونداره مدومان:

خصور در بورد بنر س ر در یا

 $p_{ij} = (p_{ij}, p_{ij}, p_$

الرابتان وترعيع معا برعاير بالبراثية ،

د الله الراز دی و در شع او بار البادونة الرابط به الاربادی دادرا و مای مداورد به الام الله رسد معلق بالار العام بازد	یاد ک دام شید باشل ک پشتاخ در دارده دانام شد چار کر ازده د		
14034000703000			
A M ST PROPERTY CALL SHOW	البيدائة	-	- 14
ويد له الكل مثلا رهو له ول الإن نها ما .	(64,610)		
فرق المراجعة فرقاد الأمريان الكارات	19.	9.1	
البيد - الكراد سيخ - يقم از شرستر الرافراد	14	34	
1970 and 16 Sept 15 cm		**	
27.00		20	
	4.0	64	100
فيمده ميريزون ونده	1.0	24	127
المنح مع المؤلد اللون العالميان لذكاح ويو ،			100

Ĭ.

۵۰ و بخر ادارا شده ، بخو کار تردر شیر د ۱٫۰ الدار داده بیخ داد ادارا دادم ۱۵۰ ، ادار در اسماح دادی این آشیر . که دن شد در ادارا در بهدارا باد ، درد در بهداداشته

مهم وص مال خداري الانواز لا من الانهاديدي. والمعلم المده من الانهازي . وقد فو الديد فر من مباشاتي ، فيانا بدها عرض عن في مبائل في حضاري الزياد بالمراحد الذي يوالاني في مبائل في حضاري الزياد بالمراحد (100 الانهاد)

ار چی الایون از افق امار الایان این استنبه اسم. ریاضات از این شیدان شیسی اسم روزوری داده الایان داده شاهشد داده دید سعد داد

و په اينا د اهر وينا د د

در این مده این ۱۵ باز زراع برزاع باز : با این اور افزیا چرا به این اعلا ماه ما در این عبد بد این افزیا و در این اعلا ماه در این عبد بد این افزیا و دیا از این ا

دور دو دو دور دو الراحد في موم ال الدولية المراجعة المرا

البه الرحر في : - خا لا التي لم القرار في الا لو التقالة إلى والراجي أنا الله إلى الا لم الراجة والمقال المالي الراجة الا أول الأثر الراجة ال يقر المالية إلى والراجة المساولات الا المناطقة السنة

المؤدرين ويبت الراجع إمراد والم

د در چر پورې اميا د اوي د اميا د سام چر و کيد اميا مده کيد سامه نيم ور دمد کير ر کاد . ود کي و چدې ز چاه اميا د دري

اليها بدها بديان برايا بديان . على بديان و ها فيا . وال يدن و الرو والديان و الديان و الرواز 196 / 196 ميل در امين 5 باب و ماراز الرواز مين در ايان و ايان و در سيل ديان رايان بدعا في المنا يا

آثان خدافشات هذا به ۱۰ به بندید شد د . اما بر توجه فر باد د فدید المسالمیت شید . شامه بازی (قابار ترفی فهده فرز اطبق . بر از ما به فراد از می شوده فرز اطبق . بر از ما به فراد از برای المسالمیت بازی از این میشود . ما تود .

ر القام الله المار الما

....

م بالد في من الله بنا في يعاد بالله . يعاد بيب لا فكرد الله وقد " بكر فيا أن كرده بيد بنا فيلان في فراند . فيت الارداد ا

ه او دخه شموان کی در پر نهیش بوده ، سدا می انفر از درخه انفر پر نامی در بازی این او این از درخه انفرد ، او در پر نامی در از این از این می ساید اگر ساکت در از پر نامی در این درخود ، یکی الامر در انفران امام الامر پر در در درخود ، یکی الامر در انفران کی حد الامی پر در در درخود این از در در داشتا می حد الامی اً منه عم أن عيد معد مدير ميد في بي ماه ۱۲۰ اند امايم "عم بر متار يعاو ينبي." اند د د ا

ر بين من سر يا و از داخل او المار الم المنظ الم

مه لاکار خان باید از پایه قبل پارز اینون . فیته بیشترخ مطلب بایشتر ۱۹ من در انداز بیشتر کارخ برگزارش

والدين دو الديد في ميان في مم الداللة . - الدائي خلافاً الدائمة ميان . يعد الكور الدا

فتح فرعة مية خايا بريانا مواكر و

ق ما ۱۹۰۰ و مثل الم مشارق قرم ازده ۱۹۰۰ مر در الده با در المهار داده می در الدی این المهار در الدی با در المهار المهار

بده . وال در يو والدن ال بالدي الله المدادي مداد الوال در 191 ، دا الرامان حدد المدادي بده حدد الديد الردن الر الاسان عليه حدد الرامان يا من أنهم حداد الديد العددات (شاكل الر إيمان الروز الدين والإنال الإنامانية .

راهها في المراجع المر

الله فيها ما الدينة في الي سياب. وقد ياف الدينة الدينة في الدينة والالتيانة في الله الدينة والالتيانة في الله الدينة والالتيانة في الله الدينة والله في الدينة والدينة والتيانة في الدينة والدينة في الدينة والدينة الدينة والدينة في الدينة والدينة في الدينة والدينة في الدينة والدينة في الدينة والدينة وا

امن جالم قد مدور باد فوافر ها بادالار و بدر ۱۳۰۰ اور رافز و ۱۰ ور رام از از از از از اداکار برداز از می مدد راد اداکار امدا زمان بدداز شرفان رادید از ادام در درد از از اداکار در دادید بادار شرفان رادید از از اداکار

الله . المراش مي آواد ، چر روا بيندا قد از طناب ده . د از مع الله الله المساولات : الدا ايج الله يغد ميذه الأجر الله المع الراحات الاقتباد على الله الله . المراشاتية ، ويقد المالية في الراحات القرارات من الله الله .

قائد فرقة شاب ينفسع تدريجيا

ر ودی را استان شهر پادر ادامیه قاره ، 8 وجه من واصعر خاصات شاها فقیا هری با من نواد نام بدر فعه دید امام فقی

الله والمواقع الما الدور المراحل المنافظ المن

اري . پيدا که کړې در مواد الميدور پيدار اوا اسا که کو کړې پيد پر ۱۹۶۵ - اکامال مورکي ما که در ده د برس کو ته کومځ کړي . کام ر بید س رد نابر از فهاد قاره ق مزده آباد پرو تادیم بنگر ان د مزد ان میر . سامه اید ام و بروش را تراز از بنو منبع از اسارد استنا ق

اوه ۱۵ جنه ای حیل از خواهد. کری داکار اور فر جهای از ایال ۱۸ داد از ایال داد ایال د

جات احساء الرقاب الرقابة بجابرة إن دون بون بين احد قوم كا قوم 10 كا تساسط الرقابة در المجادة قال إليه الإساسة فقل المراجع المحاسبة في المراجع المحاسبة في المراجع المحاسبة في المراجع المحاسبة و أن أن وقد و كان من قول في المحاسبة في يمان في المحاسبة في المحاسبة في المحاسبة في المحاسبة في المحاسبة في الم

لنفو مز الأخرز بواقع

ام به امر بعد و ادامان از ویز بن کفا حافظ خر ادامان و انتقاع از ویز بن مداخل این ، قابل شد از او ادام و این و ادام ندیش این ، حامل این از ادام و این این مرب رسانا نظر و امر بر حدیدی قابل این با بنا از از از ویز و ندریان از مداخل این این این با بنا از از از ویز و ندریان از مداخل این این این این این این این این و ادام و ادام

نصر الشاريخ فال الدانية الشارات براري الدائمة خاذا الداماية والإقراد. خارات الشارات الدانية عبد شيارات الراس

بها بقر آن الایدار آن الدیدار دیدا . الت آن الای در به الایدار در است به با بگر ساید به از خور است با این از وی در این ا به از خوابید الایدار دیدار به از این ا به از الایدار به التی از این این الایدار ا از الدار این دیدار این این با به این این این ا از الدار این این این این این این این ا از الدار این این این این این این این ا از از از این این این این این از این این ا از از از این این این این از این این ا

> مع کے دیکہ تھے ، وہاں براہ میں مور میں بعج کے وہ کر مصار کا فلا پر کافر پہلے مصار کا رہا کہ کمت وہ ج کان کہا کہ مصار کر کر شاہد کے بار جارہے ، ر

رستر هاد قرار منطق بالدها فقياتكان ديد. حير الأمر قرار بحر هما درار خاد الرفي وفادر. ادباء دفعل الفرانسان بعد از رادع الراكاد والانتقال. داداء حادد اللهدا.

ام او در در در برداده المهام و الماد المهام الم المادة القام مع المرابط المهام ال المادة الأماد من المرابط المرابط المهام المهام

ال مريد (۱۳ ويك والو بريد المها لهد الدولة المريد المها الهد الدولة المريد المها الهد الدولة المريد (١٠٠٠ و ١٠٠٠ و ١٠٠ و ١٠٠٠ و ١٠٠ و ١٠٠٠ و



10 mm 10 mm



er og er er for er er er er er er er



د خ سه خودها و پردن اوله اطهار در سه . را الله قال برناصه اینا ، رویها اینان کودون بها ، راحک اینا الباد ، رای میتم الامد و شو . گار خوام و الام را برنال بهای بها را بر اینا، که . آذا شد ایم خود اطر این اینان البت و بازد ، که . بعد اینا این امار سا کارد شو .

د خود البراد الـ ۱۹ به هم حراقها ، دو بال ابها برا خراف جاد ، وكانت برانها اللها الي سيه الوزيدي الحراف جاد ، همراء عدم والبالد الشناذ الـ فيت رابط ، وهذه الابتكر الذر يوسان جاور اليد .

والمدار عبر الماوقانا والماوانسية

بدا في الدينات الفاد الرابطة المراد والتد الدينات الماد الدينات المراد الدينات الدينات الدينات الدينات الدينات الدينات الدينات المراد المراد الدينات الدينات

مر راها و مورد دورد و مع چو او خاط پر ها در چاپ مود فرود و دو زیرو و در و خاط د دود در مود ک خو ده فرد درد زیرو و در و

A martin special property of the party of th

د من و دمید ادمیته الامیان استو ط خرایات از ارداد مدارا دمید بر سور د فر بعد الامی طرد کار رمید روزی ایش . زار و د در از مید جه از کها زیم الای اردی اماد ادمی ، و بعد اماد ایاز بشهر مدن .

کان کلیا کی از پاران د روز رساعتان کار دار ایروز به دخم داد وی در از وزار از منافق مهای امار کان و کار دار ایران ایران کان کار داد داد در دخر ایران کاران داد داد داد داد داد

زة كة لية اللاحر

در قرق قرة داد کا مرد که به بر رو رسال مداود التار المست به و راد التار راکات به رواد که التار از راد کار راد کار آلات که در در که در التار از این برای که این راد خان به این رواد که در این از این در راد در این به به کار رواد و که در سیار از این در در از از کار این که رواد به در در این در در از از از از از از از از از

ر و تعد اور ادر پرت مها د نکر مها شام اگر اور بیشتر

ا ، وي عالم الله عال الخيار بين بنط الراحة الدي اليام الذي واجبا فيا بنال المناط الذا والمناط بياء . كان حركه الذي يبناء ، لا 5 ديدينها او طال. فيتم النحاء المقرم الياس لوحة عبال العرب التيني . إن المسترس عبد ، قار الكرم الكينة بالطر الطالع .

ر و زيدا که تامدا کې دې در اصودود سرید ۱۹۰۵ - جارکر لووک پل خپر داد د چر و لاکر در دار فټراکيونه در فټا کيد او د او

اور میداد در موسوره و د امراز مادند

مهادر من در والهر اعتد عليد او الكينة الرياق رب الأطاق من يعامر المن التي م سور بمينة الاشاد التراز منها التها لمينا بيطني ال الدروس والتراز التراز التي التاريخ منها التيارة التيارة

Alberta (

اق اگل در طور مد ق الدولا التاميخ واراي . اما الله الدول الاحق والدولا الله الدول الدول الدول و الدولا مدور الله الامام والدول الدول الدول الدول و الله الله دول الدول و الدول ا

10 al of the first men and the first have

در وقت می رواد ما و و و تا در می از بر می رواد و بر در می رواد ما و و و تا می می رواد ما و و تا می می رواد ما و و تا می می رواد ما و این می تا در می رواد می و تا می می رواد می رواد می رواد می رواد می رواد می رواد و تا می رواد می رواد و تا می رواد و تا می رواد و تا می رواد می رواد و تا می رواد می رواد

بدائیت در سفایها شد. می ایر را به باشد الاحت این آن برای با به این در می الاحت با این آن این این این با با با با با با این این با با با با این این با با با با این این با با با این این با با

11/6

المراجعة ا

ري به في در الله قط در الناقي قطع الهذا الراق 10 مدة به الرايد المرافق (10 فق 1 موادي دراق بها عبر فرواه دولاً الدائلة دول عبداً والراق فعالها المرافق (10 فالدائلة) في الرامية والراقة الموادي والمواد الراقع الراقعة الراقع

سی استان بخیره شاملی . برای این استان به شام این اور امر این افزار این با از استان بیش این این امر از احت این امیان امیان از امر استان بیش این امیان این امیان این امراد اگرایا این امیان امیان امراد این امیان امیان این امراد این امیان امراد این امیان امراد امراد امیان امیان امراد امراد امیان امیان امراد امراد امیان ا

به فر او الداملين يو يو پر زيد از دامد اليا فيها لو بيها فية ر بيه بيد کار (بار بر

رسود المرافق في المرافق من المرافق ال

سدا الناف مثل الحي الرافق من الزار مر العجا يعت مودان الوارد وإن الرام مندوز ار مناالب ولي إذا رجاده ، وقد منام مل صبح الكار الثانا والروم الرام امناً الدومة في الاقتار الإذا أراب دارات من ، ورادان تتاكم مودان الدارات الذا

حدثب كرنادوهم

و بدار توضيط المدار الجالية الكرائية الكرائية الكرائية الكرائية الكرائية الكرائية الكرائية الكرائية الكرائية ا المهدال المدارية المدارية الكرائية الكرائية

ره و الدول المريد المساوية والمديد المساوية والمريد المساوية المريد المساوية والمريد المساوية المريد المساوية والمريد المساوية المريد المساوية المريد المساوية المريد المساوية المريد المريد المساوية المريد المريد

way was referred by the property and



التباء يحبان على كاطهار

11

"غيق الساء"

4,44,000,000

التي مستريعة في الهو والتيانية الرائعة المراقبة المراقبة المراقبة المراقبة المراقبة المراقبة المراقبة المراقبة وي المداقبة التي المداقبة المراقبة المراقبة

یمان حول می استخده نمید طور به میل امید امام از اولا دهید از آن از این در امام در الیاب امیدان از امام یک در امام از می می می می امیدان از امام یک در امام از می امام می امیدان امام از امام امام می امام از امام از

عرب الكوان

AND RESIDENCE AND RESIDENCE

ری طبقهٔ آمی احد طیفا در اکاران پایتران . می مستند از اینم تهر ۱۹۰۳ نید از ۱۹۰۰ در اشد از بیدا شیخ که اکسر از کاب البیری ۱ را ۱۹۰۰ تک مسرار امدالیا البیران اماراندس ۱۰۰۰ آمیر مسرار امدالیا البیران ۱۹۰۰ آرام می

د مد السائد می میکه بدارد . را در ما در می کادارد در در امید الله در افزار الله الله این در اما در امارد در امارد امارد ، اما داد اما در امارد میلیم الله در امارد امارد امارد در امارد امارد امارد امارد میلیم در ادامارد از امارد امارد

ير مر چد مند برد بيون چاگان ۱۹۹۰.

لا الله - د الإم اللي وما لا الله الإمام الإمام ال



و ماچ پردر اور دادهای کان استاح هر اماد طرف در درم کامل ، خالد فر ما درد اماد برداندن درم واقع شد رام داده ما کان محا در سالت مدادان کان برده داده ما کان

جا بهر امراد اور بدنها حالاً م. رحوای برخ در کرد به استانه مرد نفر ایران و حوای برخ در استان به استان اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد چاخ اور اختیاب این ۱۰ از قرار اصع دارد کان برخ در استان این ایران در از نفر اللب روزش استان این برخ ایران به استان این ایران در استان این ایران این ایران این ایران این ایران این این ایران ا

روز از این بیره و متر قد در انسان در این این اینان دادر دید اسان بادیم در در قامی در نیم در درده اینان در اسان در در قامی اطاء فياد و فق ، با مو فيه وي بريياً اگها ميا امر و ايراني

اقر واز آزاد بردا میا الله عدد شد در بیش پیاد کو خر شدی روزن و روز تصور شار بردا که مدخله روز نماید و بردار بردار برد مار اداد راد در امر پیاد که شار شدی را زند. ادامات تقد امر دار فروشهای مراز در مراز

داده الدوران مينا ميلم مين الدوران مدين الدوران در اطاع الرواداد (۱۳ الافران الطالب بر السيد الدي 1 مار الطاق بر دار الدوران الدوران الدوران 1 مار الدوران الدوران الدوران در دوران الدوران ا

in a rappearance and

ربا بيانا . لله مغر ماز القران وزيع مؤ اير دو ري ريزياته كاديمار "ارم فاه والر روم باه سرا" . را از اي او ادياح است. ارس ، يقطع الاديما اليميا را ادام الله ادر روم الله بردازان ، والعمار بالر

اد الرابع معها دونيه الدها برواور به الدر ال متر اللية د ماهم بعد الا الرابع با الد در الرابع الله . الم ١٩٠٠ - ١٩٠٠ بد ما الد الرابع الله . الم ١٩٠١ بدران الله ما الدام الوابع الرابع الماثرة ، ولا الله

ه بلتر والا لمع الع البناء وبها عند الريز . با حد أولون راحد (حدا الحال وجوم الريا والمثل (حراض الحداث المارات الا الرياز والمثل برا العداد الرائز العلادة الذي الرياز المثال المراث الرياز المثال المراث المثال المراث الرياز المثال المراث المثال المراث ال

بدر الدر والمنافق الاستاد المديد والمنافق والاستاد والى القاد الدر خواج المنافذ المن

and page of a party of

THE PROPERTY OF STREET

A SHIP SHIP IN THE STATE OF

الرائر وطبية في إلى مرافق الكر مترافقية في المرافقية المرافقية المرافقية المرافقية المرافقية المرافقية المرافقية المرافقية المرافقية والمرافقية والمرافقية والمرافقية والمرافقية المرافقية المرافقي

ا ما دور در بریاهای این باز احد کیا برخ دیدا کهم وید و است. بازد باد فرسید امرانید ، کابل ادخ :

سدمن

per professional designation of the period o

التي الواقات ما دور فيس از برائد ، و . . در ۱۹۱ م راو ۱۹۰ م . . . في المنا الارس بود آلات الراق الارس و الواحد الارس م رس - كان الراق الارس و الدولات ، الارتزاع من الدولات ، الارتزاع من الدولات ، الدولات ،

دی بردند. ۱ کار شرکت ها دین روی وی وی بردند رو دو در اتام شو در بردیم شد در سال اند

رام ها المراقع المراقع التاليخ الما صدر ميرة. وهما في معاونية من المراقع المياة الما صدر ميرة. قامة المساولة على قام المياة ا د جه د معمر سیم و بوری د معمد که کیمت در میکنده د

۱۹۳۰ کا کورکی مطالع کندر کی . ریان د افغ کورک وارد د رو باد ۱۹۳۱ مکاریت برا را دو از ک

الرائد (المنافية الرائد في المائد المنافية المن

اد کار کینا علیم باشده بسون در اندیان رجم اگراف (شجال اشامید دن در بست بسکا از او اس خوج ۱۹۰۰ از این از شر البیا داد اشتراض در ۱۹۰۰ از این از شر البیا

















ering in group of the second s

AND PROPERTY AND PROPERTY.



ره بیس ۱۹۰۳ مترد کیا 200 از کینا شیخ این کند دولا میه جاد زدین راسال به درت بیدان شد کو د مکان خاوالا نام می سب نداشترد الاینا در ها کاب دان ایند شد روست

و رود دی و در دو امر راسو از در بها حاد برد در و در البید در خشاد رمریکه به نی مید ک

ق خاد میں اور افزود الدیمی بدن باتی کی جه ر می میں کیا آف جها اور برد الامامی نسخ ر می میں انتخاب کیا جم کی در سوچی بدنی این ایمیا اصباح رافزاد المی در الله و امام میں د میں ایمیا المیامی دائیا کی امامی شاخصی

قد تصد فر سے اگر کی نین کیا ہوگر ہوں ہے۔ واکیٹر کی نیٹوں کیا گیٹر شدھ تائید کس مائی بہا جو انکس د ''جر در اگریز درورید در شد ماخ دائیٹ کر آرادہ کرانے وارد شدھ جو این در سبھا ۔ کش نظا جدت میں اور انکس کر انداز کا بعد تراکیا کا آئی فائیلڈ کریٹر کا مائی کر ان سام ۔ کا سم رائٹ

امار ما دولتار فوق زما مد فامير اقا ارباق رحاء

with my solven my to gripp of the or wi

iana e i carae e con co

يغلونمونيو والإعارات الاراموانود . المرودانو (الارادان الارادان

ي مي (الدول الدو

ها القيم معم والدينا عنها هذا أن تتبعر مثر الا في جود ويات المثري في الهراحة قر الدينات ويكل عنده الكرية الله عالية الله معاملة الهرا ويكل الهرام الهرام المساقل أن المتراجع من الديانات ويكر الهرام الهرام الكرام الاطارات الراجعة المراجعة والمواجعة ويكر الهنائي المتحدد في محافظ مرادة المتحدة إليان في

د کارتین کی صرح اگر داکر احداثید مصر ماه فام فام بحثر من الفائد کیما ، ادر مهم راد مام فارد کا الحداث کی اداکات کیما ،

در این فده تا کامو کا و به اگر ایس. در این به به از کامو کا و ایک طبار آن در این آ - داخلیات ایس اگریاد ایس ا در این آ - داخلیات ایس از می در کار را شاند به کامر اید اکترال رافانات ادارس از انتیان . د این حر این رساد کاموا استان انتیان کارورا

الحاصة بينانا في يو مداله الرياض د الرياض عام القرارات الرياض الالراك الدائر الدائر الراك الرياض المراكز المراكز المراكز المراكز المراكز المراكز المراكز المراكز الرياض المراكز ال

- 1